یادداشت روز

انتخاباتی فراگیر انتخابی دقیق

انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری ایران، فرصت جدیدی را برای «بازشناخت» مأموریت‌ها و «بازطراحی» سیاست‌های اجرائی کشور در اختیار مردم ایران و نظام اسلامی قرار داده است و این شاید تنها عنصری باشد که التیامی بر جراحت شدید ناشی از شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهان ایشان به حساب می‌آید. ایران پیش از این تجربه برگزاری زودهنگام دو انتخابات ریاست‌جمهوری را داشته است. وقتی به عقب نگاه می‌اندازیم درمی‌یابیم که در هر دو مورد پیشین، نظام و مردم با قدرت بیشتری راه را ادامه داده‌اند و مشکلی که پیش نیامد، فرصت‌هایی هم فراروی کشور قرار گرفت. این از یک‌سو به دلیل ذات انقلاب اسلامی است که توفنده به پیش می‌رود و از سوی دیگر پاداش انسان‌های مخلصی است که در برابر رخدادها کمر خم نمی‌کنند و به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام «المُؤمِنُ کَالجَبَلِ الرّاسِخِ لاتُحَرِّکُهُ العَواصِفُ» مؤمن مانند کوه استوار است آنچنان که بادهای تند او را تکان نمی‌دهد (شرح اصول الکافی: ج۹ ص۱۸۱). خداوند متعال وعده داده است که وقتی مؤمنان در کوران حوادث (مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا) استقامت ورزیدند، خداوند به آنان نصرت (و غلبه بر مشکلات) را عطا می‌فرماید. گاهی سختی‌ها به جایی می‌رسد که مؤمنان به تردید می‌افتند (وَزُلْزِلُوا) و می‌پرسند پس کی وعده نصرت الهی محقق می‌شود (مَتَى نَصْرُ اللهِ) اما به یکباره ندا می‌رسد که «أَلَا إِنَّ نَصْرَاللهِ قَرِيبٌ» (آیه ۲۱۴ سوره مبارکه بقره).

انتخابات پیش روی جمهوری اسلامی یک فرصت مهم برای کشور به حساب می‌آید. در واقع این انتخابات می‌تواند بدین‌گونه فرمول‌بندی شود «کابینه جدید با ویژگی‌های اقدامات برجسته و راهگشای کابینه شهید رئیسی، بدون نواقص آن». اگر این خروجی انتخابات ۸ تیر ماه باشد، نتیجه‌ای رقم می‌خورد که مورد رضایت شهید رئیسی ـ که حتماً کمک کار، حامی و ناظر تحولات جمهوری اسلامی است ـ قرار می‌گیرد و بر سرعت حرکت قوه مجریه می‌افزاید. اما در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱ـ همه شواهد و قرائن بیانگر آن است که مشارکت مردم ایران در روز هشتم تیر ماه بیش از مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۴۰۰ و نیز بیش از مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی خواهد بود. بر این اساس این بار برخلاف دوره‌های قبل که دشمن برای شکست انقلاب و مردم بر طبل «عدم شرکت» می‌کوبید و گمان می‌کرد انتخابات به آن حد از بی‌رونقی می‌رساند که به ضد خودش تبدیل شود، این بار متقاعد شده است این حاجت برآورده شدنی نیست.

انتخابات ۱۱ اسفند و مشارکت حدود ۲۵ میلیون نفر در آن ـ که به اندازه جمعیت همه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس می‌باشد ـ و تشییع پرشکوه پیکر «شهیدان جمهور» بسیار گویاتر از آن است که حتی گوش‌های کم‌شنوا از دریافت آن عاجز باشند. به همین جهت بعضی افراد که در ایران به شاخص غرب‌گرایی تبدیل شده و در انتخابات ۱۱ اسفند رویه قهر با مردم را در پیش گرفتند و در واقع مراتب فرمانبری خود را به اربابان نشان دادند، این بار نه تنها روی حضور در انتخابات تأکید می‌کنند بلکه چندین کاندیدا هم به عرصه فرستادند تا بار دیگر «قدرت اجرائی» نظام جمهوری اسلامی را در اختیار بگیرند. این هم باز یک آشتی سازمانی و سلسله مراتبی است. بنابراین واضح است که انتخابات پیش رو نه به دلیل مشارکت طیفی که در انتخابات قبل روی قهر خود حساب باز کرده بود، بلکه به دلیل تأثیرات فضای معنوی ناشی از «طوفان‌الاقصی»، بالاخص عملیات «وعده صادق» و سپس شهادت رئیس‌جمهور و همراهان ایشان، با افزایش مشارکت مردم همراه خواهد شد.

اشتباه نشود، حضور همه جریانات سیاسی ـ اجتماعی کشور در انتخابات مغتنم و شایسته تقدیر است و باید به کاندیداهای آنان هم اهلاً و سهلاً گفت. حضور این جریانات هم در انتخابات تأثیر نسبی دارد و به افزایش مشارکت هم کمک می‌کند که البته درباره حد و حدود آن بحث و گفت‌وگو وجود دارد. این موضوع نباید با اغراق یا انکار توأم شود.

۲ـ با این وصف واضح است دشمنان که هیچ‌گاه ایران را به دلیل اقتدار، موقعیت و تأثیر عینی که دارد، رها نمی‌کنند، این بار روی موضوعاتی که می‌تواند به «ایجاد شکاف» در جامعه ایران بیانجامد، تأکید داشته و آن را بستری برای موفقیت‌های آینده خود می‌دانند.

حدود سه ماه پیش در کنگره آمریکا جلسه استماع برگزار شد و وزیر خارجه آن «آنتونی بلینکن» ضمن ابراز نگرانی شدید از توسعه قدرت جمهوری اسلامی و اذعان به اینکه سیاست آمریکا علیه ایران تاکنون نتیجه‌بخش نبوده است، تصریح کرد «ما در ایران در حال گسترش ارتباط با گروه‌ها و شخصیت‌های خاص هستیم. مهم این است که بتوانیم از این طریق معبر دوگانگی‌ها را در درون سیستم گسترش بدهیم». بنابراین دشمن در این صحنه دنبال نوعی دیگر از مواجهه با انتخابات ایران است که می‌توانیم آن را حرکت از مواجهه کمی به مواجهه کیفی بنامیم. البته این را هم می‌دانیم که به نسبت ۱۵ سال و یا پنج سال پیش، قدرت مانور آمریکا در ایران بسیار کاهش پیدا کرده و با توجه به تحولات آمریکا، این امکان امروز برای مانور متقابل ایران فراهم گردیده است.

۳ـ انتخابات ریاست‌جمهوری در هر کشور صحنه رد و بدل شدن قدرت اجرائی کشور است و ماهیتی غیر از این ندارد و هر تعریف و تعبیر دیگری از ریاست‌جمهوری قاعدتاً «انحرافی» است. کاندیداهایی که به صحنه می‌آیند هم برای «برداشتن بار» اجرائی مردم به صحنه می‌آیند و اگر غیر از این باشد، اشتباه است. بنابراین کاملاً واضح است که در بادی امر، رنگ عقیدتی و ایدئولوژیک زدن به انتخابات و به کاندیداهای آن نادرست است. شورای نگهبان هم بر اساس مأموریت‌هایی اجرائی مذکور در قانون اساسی، صلاحیت افراد را بررسی و اعلام کرده و لذا «تأیید قانونی» شورای نگهبان هم مبتنی بر صلاحیت‌های شخصی کاندیدا و نه دلبستگی او به یک ایدئولوژی خاص و یا انتساب به یک گروه مذهبی ـ سیاسی و یا یک تشکیلات حزبی صورت گرفته است. شورای نگهبان عده‌ای را بر اساس توان اجرائی در برداشتن بار مردم معرفی کرده است. پس در وضع طبیعی، انتخابات و منتخبین به این معنا ایدئولوژیک نیست. شورای نگهبان کاندیدا را برای اینکه کار سایر دستگاه‌های کشور را انجام دهد و نیز مردم برای اینکه منتخب به غیر از کار اجرائی به کارهای دیگری بپردازد، وارد فرآیند انتخابات نشده‌اند. می‌دانیم که هر چند عقیده پاک دینی، مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب کرده است، برای مدیریت یعنی واگذاری اختیار خود در امور عقیدتی به پای صندوق انتخابات نمی‌روند.

با این وجود با نگاه به تجربه انتخابات ریاست‌جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ ـ که به پیروزی سیدمحمد خاتمی منجر شد ـ و انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ ـ که به پیروزی محمود احمدی‌نژاد منتهی گردید ـ سیاست‌ها و دست‌هایی به کار افتادند تا خودساخته، رنگی ایدئولوژیک و تئوریک به رأی مردم بزنند. مثلاً یکی از افراد شاخص «مجمع روحانیون مبارز تهران»، در همان اوایل انتخاب شدن خاتمی، به وی گفته بود «برخلاف سخن شما که می‌گویید دولت باید وضع نابسامان اقتصادی کشور را سر و سامان دهد، شما اقتصاددان نیستید و مردم برای اقتصاد به شما رأی نداده‌اند، مردم از شما نان و دین نمی‌خواهند، آزادی می‌خواهند!» بعد هم اتاق‌های فکر در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌های مختلف کشور تشکیل شدند تا «توسعه سیاسی» را به گونه‌ای افراط‌گونه و در تضاد با اصول و ارزش‌های نظام به‌عنوان اولویت کشور به سرانجام برسانند. همین اتفاق نادرست در فاصله ۸۸ تا ۹۲ هم افتاد و یک حلقه که در اطراف رئیس‌جمهور وقت شکل گرفته بود، تلاش می‌کرد تا با ایدئولوژیک کردن سیاست‌های دولت، وضع جدیدی پدید آورد و حال آن‌که وظایف رئیس جمهور در قانون اساسی به وضوح آمده است و ایدئولوژیک کردن انتخابات به روال خاص این و آن بیرون از این دایره تعریف شده است. اما این هرگز به این معنا نیست که رئیس‌جمهور مسئولیتی در قبال امور دینی، مذهبی و سیاسی مردم ندارد، رئیس‌جمهور به اقتضای ریاست بر شوراهایی نظیر «شورای عالی امنیت ملی»، «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و در اختیار داشتن نهادهای مختلف حتماً در امور فرهنگی و حتی دینی و مذهبی ایران مسئولیت داشته و باید نقش‌آفرینی کند. اما این‌ها همه در چارچوب نظام و اختیارات اجرائی است.

۴ـ انتخابات ۸ تیر ماه یک فرصت مهم برای جهش کشور می‌باشد و همه چیز حکایت از آن دارد که اکثریت مردم خود را برای حمایت از این جهش آماده کرده‌اند و البته انتخابات تنها یکی از این‌هاست. شرکت پرتعداد مردم در این انتخابات در حکم امضای سند حرکت شتابان به سمت قله است. در روز ۸ تیر، کار تازه آغاز می‌شود.

سعدالله زارعی

سرلشکر سلامی در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهدای پرواز اردیبهشت:

شهید امیرعبداللهیان عین دستگاه دیپلماسی مقاومت عمل می‌کرد

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: شخصیت آقای امیرعبداللهیان جامع‌الاطراف، جذاب، معیار و الگو بود که قابلیت تکثیر در وجود و شخصیت کسانی را که می‌خواهند در آینده سکان‌دار عرصه دیپلماسی کشور باشند دارد.

مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهدای پرواز اردیبهشت؛ امیر دیپلماسی و وزیر شهید امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با سخنرانی سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و علی باقری‌کنی سرپرست وزارت امور خارجه برگزار شد. سرلشکر سلامی در این مراسم اظهار داشت: شهادت جمعی از خادمان صادق ملت ایران که افتخاربرانگیز و تاثیرگذار بود و شخصیت‌های بزرگ و کم‌نظیر کشورمان به معراج رفتند را تبریک و تسلیت می‌گویم.

وی گفت: هر دفعه که به وزارت امور خارجه می‌آمدیم شهید امیرعبداللهیان ما را به سمت تمثال‌های شهدای دیپلماسی می‌بردند و در آنجا فاتحه‌ای می‌خواندیم ولی امروز در جوار آقای باقری که آمدیم تمثال شهید امیرعبداللهیان هم به تمثال‌های دیگر اضافه شده بود. فرمانده کل سپاه تصریح کرد: شخصیت آقای امیرعبداللهیان جامع‌الاطراف، جذاب، معیار و الگو بود که قابلیت تکثیر در وجود و شخصیت کسانی را که می‌خواهند در آینده سکان‌دار عرصه دیپلماسی کشور باشند را دارد. بزرگی کشورها را با وسعت جغرافیایی آن توصیف می‌کنند ولی عظمت و بزرگی کشور ما به بزرگی شخصیت‌هایی است که در آن زندگی می‌کنند و به حوادثی است که در آن ساخته می‌شود و الحمدلله کشور ما سرشار از رویدادهای بزرگ و شگفت‌انگیز و دامنه‌های تغییر زیاد و البته شخصیت‌های بزرگ است.

سرلشکر سلامی بیان کرد: آقای امیرعبداللهیان شخصیتی بلندبالا، برافراشته، مستحکم و متین در ظاهر بود و این قامت برافراشته دارای یک شکوه درونی و عظیم بود که انسان کاملی را نمایانگر می‌نمود. ادب و نجابت وی از جمله ویژگی‌های بسیار واضح بود.

وی ادامه داد: شهید امیرعبداللهیان کسی بود که موقعیت و مقام او را تغییر نمی‌داد و او تسلیم جاذبه‌های موقعیت‌ها نمی‌شد و من به ایشان به واسطه آنچه که از وی دیدم و شناختم علاقه خاصی داشتم.

فرمانده کل سپاه افزود: ادعای برخی این بود که با روی کار آمدن شهدای عزیز ما انسداد سیاسی در ایران ایجاد می‌شود و ایران به سمت انزوای بین‌المللی پیش می‌رود. سیاست مهار ایران آرزوی بلندپروازانه‌ای برای دشمنان ما بود که در کنار سیاست تحریم و عملیات روانی سنگین علیه ما اعمال می‌شد. سرلشکر سلامی گفت: خطرناک‌ترین موقعیتی که این عزیزان مدیریت اجرائی کشور را در دست گرفتند همین بود که دشمنان خواستند مناسبات سیاسی و تجاری ما با کشورهای منطقه را از بین ببرند و ما را در درون مرزهای خود محاصره کنند، اما آنچه بعدا اتفاق افتاد محصول یک رهبری هوشمندانه از سوی رهبری بالا و اعتماد با نفس قوی نزد مقامات اجرائی و سیاسی کشورمان بود.

وی بیان کرد: به جرات می‌گویم شجاعت سیاسی بسیار فراتر از شجاعت نظامی است چرا که سیاست محل اتخاذ تصمیمات بزرگ است. همان‌طور که شجاعت اخلاقی از شجاعت سیاسی مهم‌تر است و البته شهید امیرعبداللهیان شجاعت اخلاقی و سیاسی را توأمان داشت. فرمانده کل سپاه گفت: حرکت آنها روی میدان‌های مین بود چرا که دشمن همه جا در کمین بود. عضویت در شانگهای و بریکس و مناسبات و روابط با کشورهای همسایه و منطقه نشان‌دهنده عزم جدی و تلاش‌های گسترده شهیدان عزیز ما بود.

سرلشکر سلامی بیان کرد: فضاهای سیاسی جدید به ما اقتدار جدید بخشید و این ماحصل نگاه متوازن به شرق و غرب است که نگاه درستی هم بود. اقدامات آنها به ما مشروعیت سیاسی بخشید و شخصیت سیاسی ما را در جهان ارتقا داد و این را ما شاهد بودیم، اینها دستاورد شهیدان عزیزمان بود.

وی افزود: شهیدان عزیز ما دیپلماسی ما را محدود به روابط با دولت‌ها نکردند و امیرعبداللهیان عین دستگاه دیپلماسی مقاومت عمل می‌کرد و در عین حال وزیر امور خارجه مقاومت فلسطین هم بود، شهید امیرعبداللهیان با رهبران مقاومت فلسطین دیدار و از آنها حمایت می‌کرد. فرمانده کل سپاه گفت: نقد کردن قدرت نظامی و دفاعی و تبدیل آن به اقتدار سیاسی که نشان از هنر شهید امیرعبداللهیان بود را در اقداماتش شاهد بودیم. هیچ‌گاه روحیه انقلابی و جهادی را کنار نگذاشت. دشمنان هم به او احترام می‌گذاشتند چرا که در حرف و عملش صادق بود.

سلامی بیان کرد: ما در ماهیت عمل نظامی و دفاعی انجام می‌دهیم، اما عمل ما اثر سیاسی خلق می‌کند و ما هم بخشی سیاست خارجی هستیم. ما مرزهای زیادی را درنوردیدیم. ما مجبور بودیم پیشروی کنیم و در فضاهای دوردست با دشمنان خود مقابله کنیم.

رونمایی از کتاب در «امتداد خط مقدم» نوشته شهید امیرعبداللهیان

در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهدای پرواز اردیبهشت، از کتاب «در امتداد خط مقدم» نوشته شهید حسین امیرعبداللهیان، توسط سردار سلامی و علی باقری‌کنی در حضور خانواده این شهید والامقام رونمایی شد.

وی با بیان اینکه امروز روی قله‌های مرتفع قرار گرفتیم، گفت: پس از اینکه ایشان وزارت امور خارجه را تحویل گرفت حوادث فتنه‌انگیز سال ۱۴۰۱ رخداد که ترمیم آن فضا علیه کشور بسیار مهم بود چرا که برخی دشمنان به دنبال انزوای بین‌المللی ایران بودند.

فرمانده کل سپاه ادامه داد: امروز تحریم‌ها علیه ایران بی‌خاصیت شده، این نیز به دلیل تلاش‌های شهیدان عزیز ما است. اوج همکاری‌های ما با شهید امیرعبداللهیان عملیات وعده صادق بود.

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه اشدا علی الکفار و رحماء بینهم در قامت شهید امیرعبداللهیان دیده می‌شد، تصریح کرد: ما بر اساس بدترین سناریوها تصمیم مهمی را برای عملیات وعده صادق انجام دادیم. ما عملیات‌های زیاد و بزرگی را انجام دادیم ولی هیچ کدام به بزرگی و عظمت این عملیات نبود چرا که خواستیم ثابت کنیم ایران در میدان و در همه جا باشکوه است.

سرلشکر سلامی افزود: شهید امیرعبداللهیان پاسخ‌های قاطع و دقیقی را می‌داد، صدای آرام او در مشکلات و سختی‌ها و تهدیدات بسیار مشخص بود. برخی دیپلماسی را میدان کلمات مبهم می‌دانند ولی برعکس شهید امیرعبداللهیان بسیار واضح بود و هشدارهای صریحی را به دشمنان می‌داد. پس از انجام عملیات وعده صادق، ساعت‌ها و روزها تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی در جریان بود تا جهان را به این نتیجه برسانیم که کشور ما این حق و مشروعیت را دارد که موشک‌ها را بزنیم و سربلند از این میدان بیرون آمدیم.

یک ملت در برابر همه جهانیان قدرت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران را پشت سر رهبری انقلاب به نمایش گذاشتند

علی باقری، سرپرست وزارت امور خارجه نیز در این مراسم اظهار داشت: ماه خردادماه پرحادثه و پرحماسه انقلاب اسلامی است، چه ۱۵ خرداد ۴۲، چه ۳۱ خرداد سال ۶۰، چه سوم خرداد ۶۱، چه ۱۴ خرداد ۶۸ همواره این ماه برای مردم ما برجسته بوده است.

وی ادامه داد: اما شهیدان پرواز اردیبهشت تحمل نکردند تا ماه خرداد فرا برسد و پیشاپیش به سوی معبود خود شتافتند و حادثه بزرگی را رقم زدند ولی حماسه در اول، دوم و سوم خرداد در تبریز، تهران، بیرجند و مشهد رخ داد.

سرپرست وزارت امور خارجه گفت: در مراسم تشییع شهدای خدمت یک ملت در برابر همه جهانیان قدرت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران را پشت سر رهبری انقلاب به نمایش گذاشتند و ما امروز علی‌رغم اینکه داغدار هستیم، با اقتدار میراث‌دار سرمایه‌ها و اندوخته‌های شهیدان رئیسی و امیرعبداللهیان هستیم.

باقری خاطرنشان کرد: ما امروز قاسم و ابراهیم انقلاب اسلامی را تقدیم کردیم و انتظار داریم همان‌طور که خداوند در برابر صبر پیامبر اکرم (ص) در برابر از دست دادن فرزندان خود خدا به او کوثر را عنایت کرد، ما نیز انتظار داریم کوثری به انقلاب اسلامی برسد و عهد می‌بندیم که پاسدار این کوثر باشیم. ان‌شاءالله این کوثر ظهور امام حجت باشد.

خبر ویژه

وقتی اشرافیت مدعی مشارکت حداقلی مدعی اکثریت می‌شود!

حزب اشرافی کارگزاران در بیانیه‌ای مدعی شد نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات ۱۴۰۰ حذف شده بودند. این حزب همچنین مدعی شده: نگذارید اقلیت بر اکثریت پیروز شود.

این حزب ضمن حمایت از نامزدی مسعود پزشکیان نوشته است: «انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۳ به فرصتی تاریخی برای تغییر در مسیر اداره کشور و گذار از انتخابات سال ۱۴۰۰ بدل شده است. در آن سال، انتخاباتی کم‌رقابت با حذف نامزدهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو برگزار شد که نتایج آن بیش‌وکم روشن بود. کارگزاران سازندگی البته به سهم خود کوشید با حضور در آن انتخابات و دفاع از نامزد خاص خود در پیوند با بسیاری از احزاب و چهره‌های مصلح و معتدل، خود تسلیم ردصلاحیت‌ها نشود. اما قهر بخش قابل‌توجهی از جامعه و جبهه اصلاحات در آن انتخابات منجر به تثبیت دولتی شد که با وجود تلاش بسیار برای کسب محبوبیت اجتماعی و عمل‌گرایی سیاسی در قیاس با اسلاف خود از پایگاه اجتماعی گسترده‌ای برخوردار نبود. میزان آرای باطله و اعتراضات سال ۱۴۰۱ نماد معناداری از این فاصله ملت با دولت بود.

به نظر می‌رسید برای تغییر این وضعیت باید دست‌کم تا سال ۱۴۰۸ صبر کرد و گرچه انتخابات دوره چهاردهم ریاست‌جمهوری باید در سال ۱۴۰۴ برگزار می‌شد، اما چون طبق یک عرف سیاسی، دولت‌ها در ایران دو دوره‌ای هستند، چشم‌انداز این تحول به پنج سال آینده محول می‌شد. اما تقدیر الهی سبب شد با برگزاری انتخابات زودهنگام، فرصت تحولات، پنج سال زودتر فراهم شود. همین موقعیت سبب شد با وجود تاثر جامعه از سرنوشت رئیس‌جمهور مرحوم که همدردی همه جناح‌ها را نشان داد، نوعی انتظار عمومی در ملت برای تغییر دولت به وجود آید. تأکید نظام سیاسی بر ثبات کشور و استقبال از تغییرات قانونی هم بر امید ملی افزود و برخلاف انتخابات مجلس که مشارکت جامعه اندک بود، تا این لحظه تمام نظرسنجی‌ها حکایت از بالارفتن نرخ مشارکت دارد.

متأسفانه شورای نگهبان همچنان با پیروی از شیوه انتخابات ۱۴۰۰ به رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو دست زد و پاسخ درخوری به این میل ملت به مشارکت نداد. ردصلاحیت نامزدهای جبهه اصلاحات -به‌خصوص دکتر اسحاق جهانگیری- و نیز رد صلاحیت مجدد دکتر علی لاریجانی و حتی رد صلاحیت نامزدهای دولت مستقر، یادآور روش انتخابات ۱۴۰۰ بود و لاجرم باید به سقوط نرخ مشارکت منجر می‌شد. اما این‌بار اراده ملت برای تغییر وضع موجود، بیشتر و بالاتر از آن بود که به راحتی ناامید شوند. راه تغییر، نه از خیابان و نه از بیرون مرزها که از درون ایران و از صندوق رای می‌گذرد. قهر، به غلبه اقلیت بر اکثریت منجر می‌شود. با رای ندادن، نه دولت سقوط می‌کند و نه مجلس منحل می‌شود. افرادی که با حداقل آرا به ریاست مجلس ایران رسیدند، اکنون با همان آرای حداقلی می‌خواهند به ریاست دولت ایران برسند. نگذارید اقلیت بر اکثریت حکومت کند!»

درباره بیانیه غلط‌انداز حزب کارگزاران گفتنی است اولاً اگر در انتخابات اخیر مدعیان اصلاح‌طلبی یک نامزد دارند، در انتخابات سال ۱۴۰۰ دو نامزد داشتند. ثانیاً ادعای اینکه دولت رئیسی پایگاه اجتماعی ندارد، ادعای گزافی است که بطلان آن، با حماسه تشییع به یادماندنی پیکر رئیس‌جمهور شهید در شهرهای مختلف آشکار شد.

ثالثاً این شگرد همیشگی و نخ‌نمای افراطیون مدعی اصلاحات است که حتی در حضیض محبوبیت و مقبولیت، خود را اکثریت، و اکثریت را جا بزنند. در وقاحت این قبیله سیاسی همین بس که در انتخابات سال ۱۳۸۸، ۱۳ میلیون رأی موسوی را بیشتر از ۲۴/۵ میلیون رأی احمدی‌نژاد وانمود کردند و به برپایی آشوب علیه رأی اکثریت پرداختند.

همین‌ها در انتخابات سه سال قبل با رویگردانی مطلق مردم و حداکثر دو میلیون و چهارصد هزار رأی به همتی (نامزد ۱۶ حزب اصلاح‌طلب) روبه‌رو شدند و این در حالی است که پیش از آن در نظرسنجی‌های دولت روحانی معلوم شده بود که مقبولیت اجتماعی وی به زیر ۶ درصد رسیده است. با این همه مدعیان اصلاح‌طلبی و از جمله کارگزاران هیچ وقت خود را نباخته و با اعتماد به نفسی احمقانه ادعا کرده‌اند که اکثریت هستند(!)

نکته چهارم، خبر تکان دهنده‌ای است که موسوی خوئینی‌ها، دبیرکل مجمع روحانیون مبارز دی‌ماه ۱۳۹۷ در گفت‌وگو با ایرنا درباره رویکرد پدر معنوی حزب کارگزاران داد. او با بیان این که هاشم دنبال مشارکت حداقلی بود، گفته بود: «در انتخابات ۱۳۷۶ متوجه شدیم خبرهایی می‌آید که می‌خواهند یک جوری بازی را به هم بزنند و کسی را که می‌خواهند روی کار بیاورند. من و آقای کروبی رفتیم خدمت آقای هاشمی. هاشمی گفت اتفاقاً من با آقای خامنه‌ای این‌جا اختلاف نظر دارم. آقای خامنه‌ای نظرش این است که باید انتخابات خیلی پرشور باشد و مردم همه بیایند و هرچه مردم بیشتر بیایند، بیشتر تأیید نظام است. آقای هاشمی در مسیر هدفش، اگر معتقد بود کاری باید انجام شود، دیگر هیچ مانعی را بر سر راه نمی‌پذیرفت؛ چه قانون باشد، چه اشخاص و حقوق دیگران. او آن زمان می‌توانست انتخابات را جوری مهندسی کند که آن نتیجه‌ای که می‌خواهد گرفته شود».

رسانه‌های معاند بیگانه دوباره ساز تحریم انتخابات را کوک می‌کنند

رسانه‌های معاند با به خدمت گرفتن عناصر ورشکسته و رادیکال که بعضا در گذشته مدعی اصلاح‌طلبی بودند، دعوت به تحریم انتخابات می‌کنند.

یکی از این افراد ابوالفضل قدیانی عضو ستاد فتنه موسوی است که سال ۱۳۸۸ در اجرای کامل برنامه آمریکایی/صهیونیستی/ انگلیسی آشوب، مدعی تقلب شدند و بر علیه رای اکثریت مردم شورش به راه انداختند.

وبسایت صدای آمریکا، مهمل‌گویی قدیانی (مشاور میرحسین موسوی) را این‌گونه بازتاب داده است: تحریم انتخابات، اقدامی مؤثر در اعتراض به نظام حاکم است. شرکت در انتخابات نمایشی-فرمایشی، هیچ تغییر معناداری به نفع ملت ایجاد نخواهد کرد. ناکارآمدی دولت، تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، تغییرات در صحنه سیاست بین‌الملل و امکان خیزش مجدد جنبش زن، زندگی، آزادی، حکومت را مجبور کرده دوباره دست به دامان انتخابات شود. در واقع، انتخابات نمایشی-فرمایشی با هدف تکمیل روند خالص‌سازی و جلب مشروعیت بین‌المللی برگزار خواهد شد. این گروهکی ورشکسته از اپوزیسیون همه مخالفان جمهوری اسلامی خواست تا تحریم انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران را با تمام توان پیش برند و به فعالین سیاسی، مدنی، صنفی و فرهنگی توصیه کرد از هر فرصتی برای اعلام تبری از انتخابات نمایشی-فرمایشی بهره جویند.

در همین حال، دویچه وله در نوشته‌ای که از سوی «علی/ الف» اصلاح‌طلب سابق و عضو متواری دفتر تحکیم، مدعی «ارزش راهبردی تحریم در انتخابات ۱۴۰۳» شد و نوشت: تحریم یک شکل از برخورد منفی با انتخابات است که در اشکال سه‌گانه «تحریم»، «عدم شرکت» و «بی‌تفاوتی» نمود پیدا می‌کند. بررسی مشارکت در ادوار تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که حداقل ۱۵ درصد از جمعیت واجد حق رای هستند که هیچ‌گاه رای نداده‌اند.

اهداف رای ندادن نیز متفاوت است. عدم شرکت، رویکرد انفعالی در رای ندادن را بازتاب می‌دهد که بیشتر به معنای عبور از اتفاقات انتخاباتی است. اما تحریم برخورد فعال با انتخابات را نمایان می‌کند که درصدد اثرگذاری است. البته اهداف تحریم هم یکسان نیست. تحریم با رای دادن یک تفاوت اساسی دارد. رای دادن و معرفی کاندیدا نیازمند طرح و برنامه مشخص کوتاه‌مدت است، در حالی که تحریم چنین نیست و برنامه در آن موضوعیت ندارد. از دی ماه ۹۶ به بعد، به تدریج این تصور در جامعه ایران شکل گرفت که شرکت در انتخابات‌ها به لحاظ انتظارات حداکثری و حداقلی بی‌فایده است. در بهترین حالت مشارکت انتخاباتی در چارچوب مهندسی شده حکومت، باز کفه ترازو به نفع نظام سنگینی می‌کند.

هدف، مقصد، تعریف از مسئله (مشکل) و ارزش‌های جریان اصلی دعوت‌کننده به شرکت در انتخابات با حامیان تحریم متفاوت است. این‌همانی بین آنها وجود ندارد. طبیعی است که آنها به دو انتخاب متفاوت رسیده و در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. تحریمی‌ها مشکل را خود جمهوری اسلامی و ساختار قدرت می‌دانند اما شرکت‌کنندگان مشکل را در سطح مجریان، فاعلان سیاسی، تندروی‌ها، سیاست‌زدایی و تعدیل خواسته‌ها دانسته و ضمن همراهی و سازش با نهاد ولایت فقیه و هراس‌افکنی حول نابودی ایران، تغییرات ساختاری را به آینده نامعلوم موکول می‌کنند.

نخستین دلیل تحریم و فایده‌مندی آن حفظ اجماع شکل گرفته درخصوص تغییرات ساختاری سیاسی است. این نکته کلیدی است که مشارکت بالای انتخاباتی فرصت تنفس و مشروعیت‌نمایی به نظام می‌دهد. اینکه نظام بعد از دو بار رد صلاحیت، به پزشکیان مجوز ورود به رقابت انتخاباتی داد و لاریجانی و جهانگیری را احراز صلاحیت نکرد، به خوبی هدف اصلی از عقب‌نشینی تاکتیکی را نشان می‌دهد.

ادامه تحریم، نظام را در موقعیت اعطای امتیازات بیشتر در آینده و آغاز عقب‌نشینی‌های واقعی قرار می‌دهد. تحریم‌کنندگان، تغییرات مثبت ماندگار سیاسی، معیشتی، فرهنگی و اجتماعی از طریق صندوق‌های رای جمهوری اسلامی را ممتنع ارزیابی می‌کنند.

با تحریم قرار نیست به خودی خود اتفاقی در عرصه سیاسی به فوریت رخ بدهد. اما به شکست مانور مشروعیت‌نمایی کمک می‌کند. اما اگر نظام موفق به برگزاری انتخاباتی با مشارکت بیش از ۶۰ درصد شود، وضعیت معکوس شده و اینرسی و توان ایجادشده در هفت سال گذشته، دچار گسست شده و سال‌ها طول می‌کشد تا به نقطه کنونی برسد.

حضور بخش محافظه‌کار و منفعت‌طلب اصلاح‌طلب –اعتدالی در قدرت باعث فعال شدن طیف راست آنها در دفاع حداکثری از نظام و خروج بخش چپ آنها از انفعال و حرکت به سمت حمایت حداقلی از نظام و برخورد فعال با اعتراضات خیابانی می‌شود. ریاست پزشکیان بخش سالم اصلاح‌طلبان را به حاشیه می‌راند.

آسیب‌زدن به مفاهیمی چون «تغییر»، «دموکراسی»و «مردم» که منجر به افزایش بدبینی به سیاستمداران، تعمیق بحران اعتماد و گسترش مناسبات جامعه توده‌ای و ذره‌ای شدن بیشتر جامعه می‌شود، دیگر دلیل پشتوانه اهمیت راهبردی تحریم است. تقریبا با ضریب اطمینان بالا می‌توان گفت که پزشکیان موفق به تحقق هیچ بخشی از مطالبات حداقلی نخواهد شد.

قائلان به شرکت در این دوره از انتخابات، تسلیم رسمی را در قالب «سازگاری با نهادهای بالادستی قدرت» و «اجماع‌سازی با پایگاه اجتماعی اصولگرایان» ترویج می‌کنند. کاندیدای مورد حمایت آنها همیشه حامی و مطیع رهبری بوده و سابقه درخوری در حوزه فعالیت برای توسعه سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی ندارد. انتقادات وی به تندروی‌ها در نظام همیشه محدود و سطحی بوده و در حد حرف باقی مانده است. از زاویه دیگر، آنچه قائلان به رای دادن به نامزد اصلاح‌طلبان تبلیغ می‌کنند، مصداق «ابتذال شر»هانا آرنت در حساسیت‌زدایی نسبت به ارزش‌های انسانی با پذیرش نسخه فیک و مجاز به جای واقعیت است. دفاع از نهاد انتخابات و ارزش و شأن آن و جلوگیری از اعتبارزدایی از رای و نهادینه شدن شبه‌انتخابات، ضرورت تحریم فعال را گوشزد می‌کند.

یادآور می‌شود پیش از این، شبکه صهیونیستی اینترنشنال هم خواستار تحریم انتخابات شده بود.

گفت و شنود

کوکو!

گفت: نامزد اصلاح‌طلبان در اولین نطق انتخاباتی خود که از تلویزیون پخش شد، تاکید کرد که: «ما قرار نیست برنامهٔ جدید بنویسیم و سیاست جدیدی اجرا کنیم. قدم اول ما این است که مسیری که دولت پیش گرفته را ادامه دهیم».

گفتم: این سخن ایشان که با خواسته بارها اعلام‌شده مدعیان اصلاحات ۱۸۰ درجه تفاوت دارد.

گفت: خب، به همین علت است که داد مدعیان اصلاحات از آن بلند شده و می‌گویند ایشان آن‌گونه که انتظار داشتیم نیست!

گفتم: دارند رد گم می‌کنند! چون ایشان مسئولان اصلی ستاد انتخاباتی خود را از افراطیون مدعی اصلاحات و کسانی که علناً با شهید رئیسی مخالفت می‌کردند و بعضاً در فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸ نیز حضور فعال داشتند، انتخاب کرده است!

گفت: یکی از مدعیان اصلاحات بدون اشاره به این که تمامی اعضای ستاد ایشان از همین طیف است، می‌گوید به کارگیری این عده نشانه گارد باز ایشان است!

**گفتم: طرف می‌گفت؛ پای بابام ضرب دیده بود، مامانم روغن حیوانی و زرده تخم مرغ گذاشت روی محل ضرب‌دیده. فردا به بیمارستان مراجعه کرد